دشمن را بشناسيد

اثری از:
ابوالحسن المدنی

**مترجم:**

**ابوسعيد انصارى**

|  |  |
| --- | --- |
| **عنوان کتاب:** | دشمن را بشناسید |
| **اثری از:**  | ابوالحسن المدنی |
| **مترجم:** | ابوسعید انصاری |
| **موضوع:** | عقاید کلام - بررسی عقاید مذهبی شیعه (زیارت قبور، شفاعت...) |
| **نوبت انتشار:**  | اول (دیجیتال)  |
| **تاریخ انتشار:**  | آبان (عقرب) 1394شمسی، 1436 هجری |
| **منبع:**  |  |
|  |  |
| **این کتاب از سایت کتابخانۀ عقیده دانلود شده است.****www.aqeedeh.com** |  |
| **ایمیل:** | **book@aqeedeh.com** |
| **سایت‌های مجموعۀ موحدین** |
| www.mowahedin.comwww.videofarsi.comwww.zekr.tvwww.mowahed.com |  | www.aqeedeh.comwww.islamtxt.com[www.shabnam.cc](http://www.shabnam.cc)www.sadaislam.com |
|  |  |
|  |
| contact@mowahedin.com |

بسم الله الرحمن الرحيم

فهرست مطالب

[فهرست مطالب ‌أ](#_Toc433120117)

[مقدمه 1](#_Toc433120118)

[نخست: شیعه‌ و قرآن کریم 3](#_Toc433120119)

[کلینی، مشهورترین عالم شیعه‌ معتقد به‌ وجود تحریف در قرآن می‌باشد 4](#_Toc433120120)

[دوم: دیدگاه شیعه‌ نسبت به‌ اصحاب پیامبر **ج** و أمهات المؤمنين 9](#_Toc433120121)

[سوم: عقیدۀ شیعه‌ در مورد ائمۀ اثنی عشر 13](#_Toc433120122)

مقدمه

الحَمْدُ لِلَّهِ رَبِّ العَالمِينَ، وَالصَّلاَةُ وَالسَّلاَمُ عَلىَ نَبِيِّنا مُحَمَّدٍ­­، وَعَلى آلِهِ وَأَصْحَابهِ وَمَنْ دَعَا بِدَعْوَتِهِ إلىَ يَوْمِ الدِّيْن.

برادر و خواهر مسلمان!

این پیام کوتاه را به‌ همۀ مسلمانانی هدیه‌ می‌کنم که‌ نسبت به‌ دین، عقیده‌ و امتشان غیرت دارند، به‌ کسانی که‌ الفت، محبت، اتحاد و همبستگی را برای عالم اسلامی آرزو می‌کنند، به این امید که‌ قطره‌ های خونِ دلی که از این عبارات دلسوزانه می‌چکد،‌ باعث هدایت متحیرین به‌ راه راست ‌گردد.

بر هر مسلمانی واجب که‌ در راستای بهبود حال و وضع امتش و بازگشت آن به‌ عصر پیامبر ج قدم بردارد و‌ در راستای اتحاد و همبستگی امت اسلامی تلاش نماید، همانگونه‌ که‌ الله عزوجل دستور می‌دهد:

﴿وَاعْتَصِمُوا بِحَبْلِ اللَّهِ جَمِيعًا وَلَا تَفَرَّقُوا﴾ [آل عمران: 103].

«و همگی به رشته (ناگسستنی قرآن) الله چنگ زنید و پراکنده نشوید».

نخستین چیزی که‌ شایسته است تا با مخالفین مطرح گردد این است که‌ آن‌ها را به‌ کتاب الله و سنت پیامبر ج دعوت نماییم و از انحرافاتی که‌ مانع هدایت و رسیدن آن‌ها به راه راست می‌گردد بازشان داریم.

از این رو این رساله‌ را ارائه‌ می‌دهیم که‌ حاوی پاره‌ای از انحرافات اعتقادی مشاهیر مذهب شیعیان رافضی اثنی عشری می‌باشد، تا هر مسلمان از حقیقت اطلاع یابد و هیچ عذری برای انسان های غافل و دلیلی برای افراد جاهل باقی نماند.

نخست:
شیعه‌ و قرآن کریم

آنچه‌ برای همگان واضح و روشن می‌باشد این است که‌ قرآن کریم کلام الله است و اللهأ کفیل و ضامن حفظ و نگهداری آن تا روز قیامت می‌باشد، الله سبحانه وتعالى می‌فرماید:

﴿إِنَّا نَحْنُ نَزَّلْنَا الذِّكْرَ وَإِنَّا لَهُ لَحَافِظُونَ٩﴾ [الحجر: 9].

«ما خود قرآن را فرستاده‌ایم و خود ما پاسدار آن می‌باشیم و تا روز رستاخیز آن را از دستبرد دشمنان و از هرگونه تغییر و تبدیل زمان محفوظ و مصون می‌داریم».

همچنین راجع به‌ قرآن مجید فرموده‌ است:

﴿لَا يَأْتِيهِ الْبَاطِلُ مِنْ بَيْنِ يَدَيْهِ وَلَا مِنْ خَلْفِهِ﴾ [فصلت: 42].

«هیچ گونه باطلی، از هیچ جهتی و نظری ، متوجّه قرآن نمی‌گردد». یعنی، نه غلطی و تناقضی در الفاظ و مفاهیم آن است ، و نه علوم راستین و اکتشافات درست پیشینیان و پسینیان مخالف با آن ، و نه دست تحریف به دامان بلندش می‌رسد.

بنابر این هر کس که‌ در راستای توهین و هتک حرمت قرآن کریم و صدمه‌ زدن به‌ قداست قرآن قدم بردارد از اسلام فاصله دارد و مسلمان خوانده‌ نمی‌شود، هر چند که‌ خود را مسلمان قلمداد نماید، و لازم و ضروری است که‌ پرده‌ از واقعیت وی برداشته‌ شود تا مردم از عداوت و دشمنی وی نسبت به‌ قرآن و جنگ و ستیز او با اصل و پایۀ عظیم اسلام اطلاع و آگاهی بیابند.

پس لازم است بدانیم که‌ شیعیان رافضی مانند بقیه مسلمانان دربارۀ حفظ قرآن کریم از جانب الله متعال و اینکه این کتاب مقدس کامل و بدون نقص می‌باشد عقیده‌ ندارند بلکه معتقد هستند که‌ از جانب اصحاب پیامبرج تغییر و تبدیلاتی در قرآن صورت گرفته‌ و قرآنی که‌ از هر گونه‌ تغییر و تبدیلی محفوظ مانده‌ نزد امیر المؤمنین علی بن ابی‌طالبس بوده‌ و بعد از وی به‌ دست ائمه‌ رسیده‌ و اکنون نزد مهدی منتظر می‌باشد.

لازم است بدانید که‌ این عقیدۀ مشاهیر و علمای بزرگ شیعۀ اثنی عشری است و از روی دروغ و بهتان آن را به‌ امامانشان نسبت داده‌اند.

کلینی، مشهورترین عالم شیعه‌ معتقد به‌ وجود تحریف در قرآن می‌باشد

کلینی که‌ میان شیعیان‌ به‌ «ثقة الاسلام» شهرت دارد‌ در کتاب «اصول کافی» - که قول داده جز روایات صحیح در کتابش نیاورد - روایات بسیاری از این افسانه های تحریف قرآن کریم را آورده است و هیچ یک از آن‌ها را ضعیف نشمرده‌؛ لازم به‌ ذکر است که‌ علمای شیعه‌ نیز این کتاب را در بلند مرتبه‌ترین درجه‌ آن قبول داشته‌اند.

کلینی در آن کتاب از جعفر صادقس چنین نقل می‌نماید:

«إن القرآن الذي جاء به‌ جبرئیل÷ إلى محمد ج سبعة عشر ألف آیة». [الکافی: ج، 2 - ص، 634]

(قرآنی که‌ توسط جبرئیل÷ بر محمد ج نازل شده‌ (17000) آیه‌ می‌باشد).

این در حالی است که‌ آیات قرآن کریم شش هزار و اندی آیه‌ می‌باشند و وجود روایت فوق در کتاب مذکور بیانگر حذف قریب به‌ دو سوم از قرآن کریم می‌باشد؛ چه‌ افترای بزرگی!!!

و باز در آن کتاب چنین بیان داشته‌:

«جبرئیل÷ این آیه را بر محمد این چنین نازل کرد:

﴿وَإِنْ كُنْتُمْ فِي رَيْبٍ مِمَّا نَزَّلْنَا عَلَى عَبْدِنَا فَأْتُوا بِسُورَةٍ مِنْ مِثْلِهِ﴾ [البقرة:23].

«و اگر در آنچه‌ بر بنده‌ خود (درباره علی) نازل‌ کرده‌ایم، در شک‌ هستید پس‌ سوره‌ای‌ مانند آن‌ بیاورید».

نمونه‌های بسیاری در این راستا وجود دارند، زیرا بیشتر کتاب‌های شیعه‌ در این باتلاق و گنداب غوطه‌ور شده‌اند و به‌ این ورطه‌ و منجلاب خطرناک افتاده‌اند؛ لازم به‌ یادآوری است که‌ آن روایت‌های ذکر شده‌ در کتاب‌هایشان، روایت‌هایی شاذ و پراکنده‌ نمی‌باشند که‌ بدون رضایت و تأیید محققین و افراد عاقلشان نقل شده‌ باشند، و شیخ آن‌ها «مفید» می‌گوید:

«اخبار و روایت‌هایی که از ائمۀ هدایت، از میان آل محمد ج روایت شده که‌ راجع به‌ اختلاف قرآن و حذف و کاستی‌های صورت گرفته‌ از جانب برخی از طعنه‌ زنان به‌ قرآن بحث می‌کند فراوان است». [أوائل المقالات: ص 54].

در اواخر قرن سیزده‌ هجری رسوایی شیعه‌ در این راستا به‌ حد اعلی رسید، زیرا نوری طبرسی شیخ و استاد بزرگ شیعه‌ نوشته‌ای در خصوص این کفریات ارائه‌ داد و تمامی افسانه‌سرائی‌های این باب را گردآوری نمود و آن را «فصل الخطاب في إثبات تحریف کتاب رب الأرباب» نام نهاد، و این کتاب به‌ عنوان لکۀ ننگی برای شیعه‌ در تاریخ به‌ ثبت رسید، نویسندۀ این کتاب‌ همۀ روایت‌ها و اقوال پراکندۀ علمای شیعه را گردآوری نموده‌ تا از این طریق ثابت نماید که‌ علما و راویان و محققان شیعه‌ قائل به‌ این کفر می‌باشند.

لازم است بدانید که‌ برخی از آنان از روی دروغ و بهتان اعلام داشته‌اند که‌ اهل سنت نیز قائل به‌ وجود تحریف در قرآن می‌باشند.

در پاسخ به‌ این ادعای دروغین آن‌ها می‌گوییم: از لابلای سخنان خودتان برای رد این ادعای باطل استدلال می‌نماییم، مفید شیخ شیعه می‌گوید:

«امامیه‌ اتفاق نظر دارند بر اینکه‌ پیشوایان گمراه (مقصودش صحابهش می‌باشد) در بسیاری از موارد در امر جمع‌آوری قرآن مخالفت‌هایی کرده‌اند، و در آن بر حسب تنزیل و سنت پیامبر ج عمل نکرده و از آن روی گردانده‌اند، و معتزله و خوارج و زیدیه و مرجئه و اصحاب حدیث در تمام آنچه که بر شمردیم بر خلاف امامیه اجماع دارند». [أوائل المقالات: ص 13]

لازم است بدانید که‌ پاکی و دوری اهل سنت از این ضلالت و گمراهی نیازی به‌ اعتراف دشمن ندارد، و تنها از این رو آن نظریه‌ را نقل کردیم، چون سخن مخالف بود، و صدور انصاف از جانب مخالف اثر بیشتری بجا می‌گذارد تا اینکه‌ شخصی موافق انصاف به‌ خرج دهد.

و اما اینکه‌ پاره‌ای از علمای شیعه‌ وجود تحریف در قرآن را انکار نموده‌اند؛ راجع به‌ آن لازم است بدانید که‌ یکی از ارکان شیعه‌ «تقیه»‌ می‌باشد. چنانکه‌ نعمت الله‌ جزائری شیخ شیعه‌ می‌گوید:

«ظاهراً این قول (یعنی انکار تحریف قرآن) ‌بخاطر مصلحت‌های بسیاری از آنان بروز کرده است، از جمله بستن درِ طعنه بر آنان است، که اگر در قرآن تحریف و تبدیل شده پس با وجود ممکن بودن تحریف و تبدیل در آن، چگونه جایز است به قواعد و احکامش عمل نمود». [الأنوار النعمانیة: (2/358)]

سپس دلایل ادعای خود را ارائه‌ می‌دهد مبنی بر اینکه‌ انکار علمای شیعه‌ از روی تقیه‌ بوده‌ است، نعمت الله‌ جزائری می‌گوید:

«چگونه‌ چنین بیان می‌دارند در حالی که‌ در نوشته‌هایشان روایات زیادی را آورده‌اند مبنی بر اینکه‌ آن مسایل در قرآن واقع شده‌ است و فلان آیه‌ این گونه‌ نازل شده‌ و سپس تغییر یافته‌ است». [الأنوار النعمانیة: (2/358-359)]

لازم به‌ ذکر است، کسی که‌ به‌ تحریف قرآن کریم اعتقاد داشته‌ باشد در واقع کفر ورزیده‌ است و کافر محسوب می‌گردد، بنابر این اکنون علمای شیعه در مورد کلینی نویسندۀ «الکافی» و طبرسی نویسندۀ «فصل الخطاب» و امثال آن‌ها که‌ صریح و روشن چنین کفری را اعلام داشته‌اند، چه‌ می‌گویند؟ آیا آن‌ها را تکفیر می‌نمایند؟! و آیا از آنان تبرئه‌ می‌جویند یا اینکه‌ آنان را از بزرگان و مشاهیر علمای خود برمی‌شمارند؟!!

دوم:
دیدگاه شیعه‌ نسبت به‌ اصحاب پیامبر ج و أمهات المؤمنين

شیعه‌ معتقد هستند که‌ اصحاب و مادران مؤمنانش بعد از وفات پیامبرج مرتد گشته‌ و از دین رو برتافته‌اند، و از جمله‌ روایاتی که‌ از زبان امامانشان جعل نموده‌اند روایتی است که‌ کلینی آنرا نقل کرده است:

«بعد از فوت پیامبر ج جز سه‌ نفر همۀ مردم مرتد شدند». [الکافی: (8/245)]

آن‌ها از میان اصحاب پیامبر ج ابوبکر صدیق و عمر فاروقل را از بدگویی و شناعت بیشتری نسبت به‌ سایر اصحاب برخوردار نموده‌اند.

و همچنین مجلسی از یکی از موالی علی بن حسینس نقل کرده که‌ گفته است:

«پدرم عادت داشت که‌ برخی اوقات به‌ خلوت می‌رفت، یک مرتبه‌ بر او وارد شدم و از او خواستم که‌ راجع به‌ حال و وضع آن دو نفر یعنی (ابوبکر و عمر) مرا خبر دهد. گفت: آن‌ها کافر هستند و جز کافر کسی آن‌ها را دوست ندارد». [بحار الأنوار: (69/138) باب: کفر المخالفین و النواصب].

و مجلسی می‌گوید: «از جمله‌ مسایلی که‌ از ضروریات دین امامیه‌ محسوب می‌گردند موارد زیر می‌باشند:

1. اعتقاد به‌ حلال بودن متعه (صیغه)‌.
2. برائت از ابوبکر، عمر، عثمان، معاویه‌، یزید بن معاویه‌، و همۀ کسانی که‌ با امیر المؤمنین÷ و یا سایر ائمه‌ به‌ جنگ و ستیز پرداختند و همۀ کسانی که‌ در قتل حسینس شرکت داشتند،

و گفتن جملۀ "حی علی خیر العمل" در اذان». [العقائد: ص 58]

 آن‌ها صریح و روشن در مورد ام المؤمنین عائشه صدیقهل بدگویی می‌نمایند و ایشان را نعوذ بالله به‌ فاحشه‌ کاری!!! متهم می‌کنند، در حالی که‌ الله متعال در ده‌ آیه‌ از سورۀ نور که‌ تا روز قیامت تلاوت می‌شود عائشه صدیقهل را تبرئه‌ نموده‌ و پاکی وی را ثابت نموده است.

از جمله‌ روایات آن‌ها در این خصوص مطلبی است‌ که‌ محمد شیرازی که از جملۀ علمای بزرگشان می‌باشد روایت نموده‌، آنجا که‌ می‌گوید:

«دلیل چهلم: آنچه‌ که‌ راجع به‌ ملامت و عیب و نقص‌های دشمنان اهل بیت÷ روایت شده‌ از جمله‌ چیزهایی است که‌ بر امامت ائمۀ اثنی عشری و کفر و دوزخی بودن عائشه‌ دلالت می‌کند، و این مستلزم حقیقت مذهب ما و حقیقت ائمۀ اثنی عشر ما می‌باشد».‌ الاربعین في امامة الائمة الطاهرین: ص 61

این است عقیده‌ و باور شیعه‌ در خصوص اصحاب کرام و مادران مؤمنین که‌ بیان داشتیم، حال آیا مسلمان عاقل بدان رضایت می‌دهد، در حالی که‌ در قرآن کریم آیۀ زیر را تلاوت می‌نماید:

﴿وَالسَّابِقُونَ الْأَوَّلُونَ مِنَ الْمُهَاجِرِينَ وَالْأَنْصَارِ وَالَّذِينَ اتَّبَعُوهُمْ بِإِحْسَانٍ رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُمْ وَرَضُوا عَنْهُ وَأَعَدَّ لَهُمْ جَنَّاتٍ تَجْرِي تَحْتَهَا الْأَنْهَارُ خَالِدِينَ فِيهَا أَبَدًا ذَلِكَ الْفَوْزُ الْعَظِيمُ١٠٠﴾ [التوبة: 100].

«پیشگامان نخستین مهاجران و انصار ، و کسانی که به نیکی روش آنان را در پیش گرفتند و راه ایشان را به خوبی پیمودند، الله عزوجل از آنان خوشنود است و ایشان هم از الله خوشنودند ، و الله برای آنان بهشت را آماده ساخته است که در زیر (درختان و کاخ‌های) آن رودخانه‌ها جاری است و جاودانه در آنجا می‌مانند . این است پیروزی بزرگ و رستگاری سترگ».

و آیا مسلمان راستین راضی می‌گردد که در مورد همسر گرامی رسولج عائشه صدیقهل چنین بهتانی را زمزمه کند؟ درحالیکه قرآن کریم می‌فرماید:

﴿إِذْ تَلَقَّوْنَهُ بِأَلْسِنَتِكُمْ وَتَقُولُونَ بِأَفْوَاهِكُمْ مَا لَيْسَ لَكُمْ بِهِ عِلْمٌ وَتَحْسَبُونَهُ هَيِّنًا وَهُوَ عِنْدَ اللَّهِ عَظِيمٌ١٥﴾ [النور: 15].

«هنگامی‌ که‌ آن‌ بهتان‌ را از زبان‌ یک‌دیگر می‌گرفتید و با زبانهای‌ خویش‌سخنی‌ می‌گفتید که‌ به‌ آن‌ علمی‌ نداشتید و آن‌ را کاری‌ سهل‌ و ساده‌ تلقی‌ می‌کردید با این‌که‌ آن‌ امر نزد الله بس‌ بزرگ‌ است» یعنی: گناه‌ و مجازات‌ آن‌ بس‌ بزرگ‌ است‌.

﴿وَلَوْلَا إِذْ سَمِعْتُمُوهُ قُلْتُمْ مَا يَكُونُ لَنَا أَنْ نَتَكَلَّمَ بِهَذَا سُبْحَانَكَ هَذَا بُهْتَانٌ عَظِيمٌ١٦﴾ [النور: 16].

«و چرا وقتی‌ آن‌ را شنیدید، نگفتید: ما را نرسد که‌ به‌ آن‌ سخن‌ بگوییم‌ خداوندا! این‌ بهتانی‌ است‌ بزرگ» و پاک‌است‌ الله‌ سبحان‌ از این‌که‌ چنین‌ بهتانی‌ به‌ همسر پاکیزه‌ رسول‌ محبوبش‌ زده ‌شود. یعنی: وقتی‌ این‌ بهتان‌ را شنیده‌ بودید، باید از سر تعجب‌ و استبعاد (سبحان‌الله) می‌گفتید، آری‌! می‌گفتید: بارالها! تو را به‌ پاکی‌ یاد می‌کنیم‌! برای‌ این‌که‌ تعجب‌ خویش‌ را از حال‌ این‌ گروهی‌ که این تهمت‌ها را به همسر پاک رسول الله به‌هم‌ بستند، آشکار ساخته‌ باشید.

سوم:
عقیدۀ شیعه‌ در مورد ائمۀ اثنی عشر

آنچه‌ برای همگان واضح و روشن است اینکه‌ جز پیامبران – صلوات الله‌ علیهم اجمعین- هیچ احدی معصوم نمی‌باشد و همۀ مردم در معرض اشتباه و گناه می‌باشند.

اما آنچه‌ از مسلمات دین شیعه‌ می‌باشد این است که‌ امامت و عصمت امامانشان یکی از ضروریات عقیدۀ آن‌ها است، مجلسی یکی از علمای برجستۀ آن‌ها می‌گوید:

«امامیه‌ اتفاق نظر دارند بر اینکه‌ ائمه‌† از گناهان کوچک و بزرگ معصوم هستند، و به‌ هیچ وجه‌ نه‌ از روی عمد و نه‌ از روی اشتباه گناهی از آنان صورت نمی‌گیرد و هرگز با تأویلی اشتباه روبرو نمی‌شوند». [بحار الأنوار: 25/209]

و معتقد هستند هر کس به‌ امامت ائمۀ دوازده‌گانه‌ آن‌ها و اینکه‌ امامت آن‌ها از جانب اللهأ و پیامبر ج تأیید شده‌ ایمان نداشته‌ باشد و یا اینکه‌ تنها به‌ امامت یکی از آن‌ها ایمان نداشته‌ باشد، او کافر و مرتد است و خون و مالش حلال می‌باشد، ابن بابویه‌ قمی ملقب به‌ صدوق، رئیس محدثین آن‌ها می‌گوید:

«ما معتقد هستیم هر کس امامت امیرالمؤمنین علی بن ابی‌طالبس و ائمۀ بعد از ایشان را انکار نماید، همانند آن است که‌ نبوت همۀ انبیا را انکار نموده‌ باشد! و همچنین معتقد هستیم که‌ هر کس امامت امیر المؤمنین را تأیید نماید، اما امامت یکی از ائمه‌ بعد از ایشان را انکار کند، بمنزلۀ آن است که‌ نبوت همۀ انبیا را تأیید نماید، اما نبوت پیامبر ما حضرت محمد ج را انکار کند!!». [الاعتقادات: ص 104]

و عبدالله‌ مامقانی شیخ شیعه‌ می‌گوید:

«آخرین پیامی که‌ از روایات فهم می‌شود این است که‌: در آخرت حکم کفر و شرک همۀ کسانی اجرا می‌شود که‌ به‌ امامت ائمۀ اثنی عشری ایمان نداشته‌اند». تنقیح المقال: 1/208

 قضیۀ «امامت»‌ نعمت الله‌ جزائری را به‌ آنجا رسانده‌ که‌ جدایی و کناره‌گیری شیعیان را‌ از همۀ مسلمانان اعلام نماید، او می‌گوید:

«خدای ما، پیامبر ما و امام ما، با خدا و پیامبر و امام آن‌ها تفاوت دارد، زیر آن‌ها معتقد هستند خدای آن‌ها خدایی است که‌ محمد ج پیامبرش بوده‌ و ابوبکر خلیفه‌ و جانشین وی بوده‌ است، اما ما به‌ آن خدا و آن پیامبر معتقد نیستیم، بلکه‌ می‌گوییم: خدایی که‌ ابوبکر خلیفه‌ و جانشین پیامبرش بوده‌ خدای ما نیست و آن پیامبر نیز پیامبر ما نمی‌باشد». [الأنوارالنعمانیة ج2ص279]

آن‌ها در راستای تطبیق عملی برای مسألۀ تکفیر، خون و اموال اهل سنت را مباح اعلام داشته‌اند.

ابن بابویه‌ قمی از داود بن فرقد چنین روایت می‌کند که‌ گفته‌:

«به‌ ابوعبدالله÷ گفتم: راجع به‌ ناصبی‌ها چه‌ می‌گویی؟ گفت: خون آنان حلال می‌باشد، اما نگران شما هستم، هرگاه توانستی که‌ دیواری را روی آن‌ها خراب نمایی یا اینکه‌ آن‌ها را در دریایی غرق کنی و کسی از کار شما اطلاع پیدا نکند آن را انجام بده‌، تا هیچ کس علیه‌ شما گواهی ندهد. گفتم: راجع به‌ مال و دارایی آن‌ها چه‌ می‌گویی؟ گفت: هر اندازه‌ که‌ توان داشتی از مال آن‌ها با خود بردار». [علل الشرائع: (2/601)]

آری آن‌ها پس از آنکه مخالفین شان را تکفیر نمودند عملاً خون و جان و مال و ناموس اهل سنت را مباح اعلام نمودند و این فتوا را در صحنۀ عمل نیز تطبیق کردند.

و در عصر حاضر مرجع بزرگ آن‌ها خمینی چنین اعلام داشته‌:

«در مورد مباح بودن آنچه‌ به‌ عنوان غنیمت از اموال ناصبی‌ها به‌ دست می‌آید و تعلق خمس بدان، نظر و دیدگاه قوی این است که‌ همانند غنیمت اهل حرب از آن استفاده‌ می‌شود، بلکه‌ قول ظاهر بر آن است که‌ گرفتن اموال آن‌ها به‌ هر طریق که‌ امکان باشد و در هر جایی که‌ بدست بیاید جایز می‌باشد و واجب است که‌ خمس آن اخراج گردد». [تحریر الوسیلة: 1/352]

اما راجع به‌ مفهوم ناصبی ببینیم که یکی از علمای شیعه معروف به الدرازی البحرانی چگونه توضیح می‌دهد:

«روایات رسیده از ائمه‌† بیان می‌دارند که‌ مراد از ناصبی در گفته‌های آن‌ها سنی می‌باشد». [المحاسن النفسانیة : ص 147]

امام شوکانی/ می‌فرماید:

«رافضی‌ها‌ هیچ‌گاه امانت مخالفین مذهب خود را رعایت نمی‌کنند، بلکه‌ هرگاه فرصت مناسب فراهم شود‌ به‌ مال و خون آن‌ها تعدی می‌نمایند و آن را مباح می‌دانند، و تمامی مودت و محبتی که‌ اظهار می‌دارند تنها از روی تقیه‌ می‌باشد و با کوچک‌ترین فرصت فراهم شده‌ اثری از آن باقی نمی‌ماند». [أدب المطب ومنتهی الأرب: ص 95]

این است عقیده‌ و باور شیعیان رافضی‌:- آن‌ها معتقد هستند که‌ قرآن کریم تحریف شده‌ است- اصحاب و مادران مؤمنان رضی الله عنهم اجمعین کافر هستند- تعظیم و بزرگداشتن بیش از حد ائمه‌ و حتی خدا خواندن آن‌ها از اصول مذهبشان می‌باشد- قلمداد کردن امت اسلامی به‌ عنوان کافر و مباح دانستن خون و اموال آن‌ها...

آیا کسی که‌ به‌ الله جل جلاله و رسول الله ج و روز رستاخیز ایمان داشته‌ باشد و یا اینکه‌ دارای ذره‌ای عقل باشد هرگز به‌ خود اجازه‌ می‌دهد که‌ چنین اقوال زشت و عقائد فاسدی را ارائه‌ دهد؟!!

واقعیت این است که‌ آیۀ زیر شامل حال پیروان این مذهب باطل می‌باشد، آنجا که‌ الله عزوجل می‌فرماید:

﴿أَفَمَنْ زُيِّنَ لَهُ سُوءُ عَمَلِهِ فَرَآهُ حَسَنًا فَإِنَّ اللَّهَ يُضِلُّ مَنْ يَشَاءُ وَيَهْدِي مَنْ يَشَاءُ﴾ [فاطر: 8].

«آیا کسی که عمل بدش (توسّط شیطان و شیطان صفتان) در نظرش زینت و آراسته شده است و آن را زیبا و آراسته می‌بیند (همانند کسی است که واقع را آن چنان که هست می‌بیند و از قوانین آسمانی پیروی می‌کند؟) الله هر کس را بخواهد گمراه می‌سازد ، و هر کس را بخواهد راهیاب می‌نماید».

لازم است انسان مسلمان از این‌گونه‌ عقائد فاسد و منحرف حذر نماید و خود را از آن دور نگه دارد و تعصب مذهبی و عاطفه‌های شخصی، او را در برابر دین حق کور و کر و گنگ ننماید و از حق پیروی کند:

﴿أَفَمَنْ يَهْدِي إِلَى الْحَقِّ أَحَقُّ أَنْ يُتَّبَعَ أَمَّنْ لَا يَهِدِّي إِلَّا أَنْ يُهْدَى فَمَا لَكُمْ كَيْفَ تَحْكُمُونَ٣٥﴾ [يونس: 35].

«آیا آن کس که راه راست را نشان می‌دهد سزاوارتر است که پیروی شود (و انسان به فرمان او رود) یا کسی که راهی نمی‌نماید و بلکه باید خودش راهنمائی گردد (و راه برده شود) ؟ شما را چه شده (که چراغ عقل از کفتان به در می‌رود؟ به دنبال چه چیز می‌روید؟) این چه حکمی است که می‌کنید؟».

از الله متعال خواهانیم که‌ همۀ مسلمانان را به‌ راه حق و حقیقت هدایت نماید و افراد گمراه را به‌ راه راست بازگرداند.

وآخر دعوانا أن الحمد لله رب العالمین

\*\*\*\*